انترناسیونال 813

آرش دشتی

**اول ماه مه، روزی برای همه!**

اول ماه مه، فقط روز همبستگی کارگران نیست. روز همه ی مزدبگیران و فرودستان است. روز به چالش کشیدن سرمایه از سوی نیروهای کار است.

روز مارش بزرگ هیچ بودگان! علیه سیستمی است که از کار و خون انسان های شریف و مولد همه ی ثروت ها و ‌نعمت های جهان تغذیه می کند.

یازده اردیبهشت- اول ماه مه، روز اعلام کیفرخواست جمعیت ۹۹ درصدی علیه زالوهای یک درصدی است. این روز، روز جشن کارگران نیست، روز جنگ تمام عیار نیروی کار با سرمایه ‌نظام سرمایه داری است.

اول ماه مه، روز فروشندگان نیروی کار در قبال مزد است، مزدی که در بسیاری از کشورها مخصوصا در جمهوری اسلامی ارزش آن به اندازه ی ارزش دو ساعت عرق ریزان کارگر هم برابری نمی کند.

روز جدال تاریخی و فریاد اعتراض کسانی است که جهان و هرچه که در آن است از کالا ها و خدمات حاصل کار اوست.

روزدادخواهی کارگرانی است که به جرم دفاع از معیشت همزنجیران خود به بند کشیده شده اند. روز دادخواهی زنان و مردانی است که صرفا به خاطر همراهی اسماعیل بخشی ها زندانی شده اند. روز سپیده قلیان هاست. روز علی نجاتی هاست. روز کیفرخواست معدنچیان بورت و کرمان و آقدره است که بارها و بارها در دل کوه ها جان سپرده اند و معترضان شان، شلاق خورده اند.

روز ماهیگیرانی است که دریا و ماهی هایشان پیشفروش شده اند و تورهایشان مانند سفره هایشان خالی است.

روز نفتگرانی است که شیره ی جان و جوانی شان به یغما می رود.

روز کولبران- این کارگران بی کار- است که مجبورند با کوله بذری از فقر تحمیلی، گردنه ها وکوه ها را درنوردند و از کوه پرت شوند و یا با گلوله های مستقیم آدمکشان اسلامی از پا درآیند.

اول ماه مه، روز زنان قالیبافی است که آرزوهایشان را به دار فقر آویخته اند.

یازده اردیبهشت، روز دستفروشانی است که از کار رانده شده اند و بساط محقرشان پایمال مشتی اجامر و اراذل اجیر شده ی شهرداری ها می شود.

روز کارگرانی است که به کارگل واداشته شده اند و خشت خشت کاخ ها و آسمانخراش ها از رنج بی گنج آن ها بالا رفته است.

روز معلمانی است که نیروهای آینده ی کار‌ را آموزش می دهند و هنوز گرسنه اند و دستمزد بخور و نمیرشان ماه ها به تعویق می افتد و با اعتراض و تحصن، قسمتی از آن پرداخت می شود و آن ها با همه ی فشارها علیه بیعدالتی آموزشی و علیه پولی سازی و کالایی سازی و طبقاتی کردن آموزش فریاد می زنند.

روز رانندگان روز مزدی است که برای احقاق حقوق خود راهی جز خاموش کردن تاکسی تا و کامیون هایشان ندارند.

روز کارتن خواب ها و گورخواب هایی است که به علت فقر تحمیل شده و گرانی مسکن، سرپناهی ندارند. روز مردمی است که گرانی وبی مسکنی آن ها را به حاشیه ی شهرها رانده است.

اول ماه مه، روز دانشجویانی است که ستم و نابرابری، فرصت و اجازه ی آزاد اندیشی را از آن ها سلب کرده و آزارشان می دهد و از همین الان علیه بیکاری و استثماری که سر راهشان کمین کرده است، فریاد اعتراض سر می دهند.

روز زنان و مردان شالیکار و پنبه چین است که حاصل دسترنج شان سفره ی آقازاده ها را رنگین می کند.

روز زلزله زدگان غرب کشور است که پس از دو سال هنوز سقفی بالای سر ندارند. روز سیلزدگانی است که تخریب سودجویانه ی دولت و رانتخواران و وابستگان به زور و قدرت از جنگل و رودخانه و کوه و دشت، هستی آن ها را با خود برد و بی کفایتی مسوولان زندگی آن ها را در نگرانی های کشنده ای غرق کرده است.

اول ماه مه، روز رزم و عزم زنانی است که جانانه علیه تبعیض و بی حقوقی و علیه قوانین پوسیده ازدواج و طلاق و حضانت و ارث و حجاب به پا خواسته اند و آشکار و علنی در میدان های شهرها، روسری ها را به چوب بستند و به باد دادند و به جا، دختران خیابان انقلاب نام گرفتند.

اول ماه مه، روز اعتراض بازنشستگانی است که به فقر کشیده شده اند که اندوخته های سی ساله شان در صندوق های بازنشستگی غارت می شود و فریادشان به فلک رسیده است.

روز جلیقه زردهای پاریس است که از نظم سرمایه داری به تنگ آمده اند و برای به زانو در آوردن نظام فاشیستی مکرون، عزم خود را جزم کرده اند.

روز کارگران الجزایر و‌ سودان و مصر و عراق و خاورمیانه و جای جای جهان نابرابر است.

روز قطعی جدال را در برابر ۹۹ درصدی ها قرار می دهد.

یازده اردیبهشت- اول ماه مه، روز اتحا‌د و همبستگی همه ی انسان هایی است که در بالا نام بردم.

تنها با اتحاد این « داغ لعنت خوردگان» است که دنیا از شر و شرارت سرمایه داری و ایران از نکبت و نحوست این رژیم سرکوبگر و ستمکار نجات خواهد یافت.

اول ماه مه امسال، باید گفتمان اداره ی شورایی جامعه را پرچم خود سازد.\*